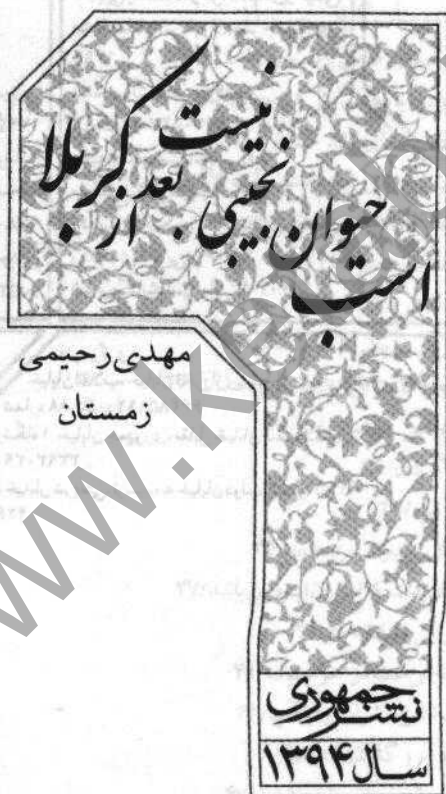




مهلی رحیمی
زمستان



سرشناسه: رحیمی، مهدی
عنوان: نو نام پدید آور: اسب حیوان
نحیی: نیست بعلز کر بلا مهدی رحیمی
مشخصات نشر: تهران، نشر جمهوری،
۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۸۶ ص.
شابک: ۳-۲۷-۷۶۳۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۵۱۳۹۴ الف ۸۵ ح ۸۳۴۵/ PIR
رده بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۶۰۴۰۳

ناشر: جمهوری
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴
قیمت: ۸۰۰۰ تومان
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
شابک: ۳-۲۷-۷۶۳۰-۶۰۰-۹۷۸
چاپ، صحافی: منصوری
INSTAGRAM: JOMHOORIBOOK

دفتر مرکزی:
خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای ژاندارمری غربی
شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۲۸۵۱۱۲
فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰
تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰
فروشگاه ۲: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۴۸۵
تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵



فهرست

- در جهان دیگر غریبی نیست بعد از کربلا/ ۷
اگر دست تو باشد موی من از شانه اش راضی ست/ ۹
بی وقفه بی مقدمه هیأت گرفتگی ست/ ۱۱
خوب است روضه، روضه ی ارباب بهتر است/ ۱۳
پدر هر جا که بودی یا نبودی مثل هم بودیم/ ۱۵
من و تو در حقیقت رد پای مشترک داریم/ ۱۶
پدر جان قسمت زجر آور این داستان مانده/ ۱۷
به گوش تیر گفتایغ، بی سرگردنش بامن/ ۱۹
مروه زینب صفا امام حسین/ ۲۱
مرد مردان مرد امام رضا/ ۲۳
بعید نیست پدر با پسریکی شده باشد/ ۲۵
تاخیمه رفت و برگشت از پانشت و بر خاست/ ۲۷
پیچیده در حرم خبر گوشواره ات/ ۲۹
آه افتاد ماه در گودال/ ۳۱
داشتم انتظار از نیزه/ ۳۳
با طعم خنده های تو دنیا از این به بعد/ ۳۵
ابالفضلش چنان باشد که این زن اینچنین باشد/ ۳۷
پیراهن سیاه بر این غم ادامه داد/ ۳۹
آنگونه که حاجی ست در احرام پیاده/ ۴۱
بگو که مست نشوید شراب را با آب/ ۴۳
نه آب آمده نه آبرو گذاشته اند/ ۴۵
در مرز خویش ماندن و از مرز رد شدن/ ۴۷
تیری رسید و پیکرت را بر بدن دوخت/ ۴۹
یا در فراق کرب و بلامی کشی مرا/ ۵۱
دلَم به خاطر زوآر ساده راه افتاد/ ۵۳
تو از بس حسینی و از بس که خوبی/ ۵۵

خانمی که تا خود خورشید قامت داشته ۵۷/

تیر آه از نهاد پدر در بیاورد ۵۹/

گلایه کرد به کرات آفتاب از آب ۶۱/

مثل نماز مثل دعا صبح و ظهر و شام ۶۴/

چشم هایش را گشوده ابروان را جمع کرده ۶۶/

نه این که سر بزند ماه تاب از دستش ۶۸/

دو تاباز به دنیا آمده نامش ابو الفضل است ۷۰/

هر آنکه آمده را رهگذر تصور کن ۷۲/

تا نفهمد هیچکس ناچار بازی می کنم ۷۴/

شروع می شود این شعر کم کم از چشمش ۷۶/

شروع زخم زیلک شکار از ابرویش ۷۸/

رفت دستم قلم جلو تر بود ۸۰/

چون باد در مجاورت شمع می چون شمع در محاصره بادی ۸۲/

رسید روضه به آن لحظه خطیر از تیر ۸۴/